

ارائه الگوی مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی

دکتر عباس طلوعی اشلقی

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

دکتر عباسعلی قیومی

دانش آموخته‌ی دکتری مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

در این مقاله در راستای تبیین مفهوم مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی، نخست ضمن ارائه مفاهیم مهندسی فرهنگ و رویکردهای مختلف در این خصوص و معرفی روشهای آینده پژوهی نسبت به بررسی فرهنگ موجود و شناخت نقاط قوت و ضعف آن اقدام گردیده و راههای رسیدن به فرهنگ مطلوب با استفاده از رویکردهای آینده پژوهی مشخص می‌گردد. در ادامه، سطوح مولفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر بر اساس دیدگاه ادگار شاین و با کمک تحقیقات انجام شده توسط هافستد، محسنی و چلبی جهت اعمال تغییرات در فرهنگ موجود با رویکرد آینده پژوهی شناسایی شده و سپس مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ مطلوب در آینده بر اساس نظرسنجی از نخبگان فرهنگی جامعه مشخص شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار MATLAB و سایر روشهای آماری چون میانگین هندسی و... اطلاعات جمع آوری شده تجزیه و تحلیل و الگوی فرهنگ مطلوب ارائه شده است. پس از انجام مراحل فوق با توجه به وجود شکاف بین فرهنگ موجود و فرهنگ مطلوب سعی گردیده تا با استفاده از تکنیک‌های آینده پژوهی از جمله سناریو نویسی راهکارهای پر کردن انحرافات و شکاف‌های موجود بین دو وضعیت فرهنگ در قالب یک الگوی مهندسی فرهنگ ارائه شود.

واژگان کلیدی

مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، آینده پژوهی، فرهنگ مطلوب

مقدمه

مدیریت محیط زیست فرهنگی خود اقدام کنند.

(ناظمی اردکانی ۱۳۸۵)

از دیگر مسائلی که اهمیت مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی را مشخص می‌کنند می‌توان به کارکرد راهبردی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، ایجاد انسجام و نظم در مسائل فرهنگی، تأکید بر طراحی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و امکان سنجی آن و اهمیت آن در تحقق اهداف فرهنگی اشاره نمود. توجه به تمام لایه‌های فرهنگی کشور همچون لایه‌های دینی، ملی و جهانی و تمایل سطوح فرهنگی کشور یعنی سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ارزشی و اولویت دادن لایه دینی بر دیگر لایه‌های فرهنگی کشور، توجه به رابطه الزام‌وار و انگیزشی بین عرصه‌های مختلف یک اجتماع (به‌این معنی که قدرتمندی فرهنگی تقویت اقتصاد و مدیریت را سبب می‌گردد و در نتیجه باعث می‌شود توانایی فرهنگی افزایش یابد) تفکیک بین نهاد طراحی مهندسی فرهنگ و اجرای آن، مشارکت فعال در مسائل جهانی و افزایش توانایی‌ها و پتانسیل‌های فرهنگی خود در سطوح مختلف، تأثیر به سزای رسانه ملی در تحقق مهندسی فرهنگی، تأکید بر ابعاد جهانی‌سازی فرهنگ، لزوم مهندسی فرهنگی برای جلوگیری از آشفتنگی فرهنگی و افزایش ظرفیت فرهنگی کشور و اینکه فرهنگ تنها عامل حفظ استقلال و توانمندسازی کشور در عرصه جهانی‌سازی است. (بنیانیان ۱۳۸۵، ۶)

در مهندسی فرهنگ، استراتژی‌های فرهنگی برای رسیدن به فرهنگ مطلوب طرح، نقشه، الگو و راهی برای رسیدن به هدفها در آینده‌اند و رمز موفقیت آنها نیز در طراحی و تدوین درست و اجرای دقیق در عمل است. بی شک تعیین کننده‌ترین عامل برای کارآمدی استراتژی‌های فرهنگی درک تصویری درست از آینده است که چنین امری تنها از طریق آینده نگاری امکان پذیر است. (مخبر دزفولی ۱۳۸۵، ۲)

امروزه محققین، آینده‌نگاران و سیاستگذاران به‌این باور رسیده‌اند که بعد از دوران جدال‌های نظامی (تا دهه ۱۹۷۰) و رقابت‌های اقتصادی (چند دهه اخیر تا کنون)، آینده، صحنه نبرد و رقابت فرهنگ‌های مختلف است. هر ملتی که دارای فرهنگ برتر است، پیروز میدان کار زار آینده است چه در حوزه سیاست و چه در حوزه اقتصاد است. این خود شاهد این مدعا است که توسعه فرهنگی، مقدم بر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است و باید از هم اکنون به فکر آینده فرهنگی جامعه خود بود. (ملکی فر ۱۳۸۵، ۲۵)

با توجه به اهمیت فرهنگ جامعه و با توجه به‌این که اگر این مجموعه فرهنگی را هدایت و از آن حراست و حفاظت نکنیم عوامل گوناگون بر فرهنگ تاثیر می‌گذارند، لذا یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است (خامنه‌ای ۱۳۸۳)

کشورها و ملت‌ها وظیفه دارند و می‌توانند برای ادامه حیات انسانی خود و بالندگی آن و تکامل معنوی خویش و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی خود، محیط زیست فرهنگی خود را مهندسی و مدیریت کنند و آنرا از ضعف‌ها و آلودگی‌ها پاک سازند. عناصر و مؤلفه‌های حیات آن را تقویت نمایند و از نفوذ و ورود عناصر آلاینده محیط زیست فرهنگی‌های دیگر جلوگیری نمایند.

به همان نسبت که هر کشور و ملتی وظیفه دارد و می‌تواند محیط زیست طبیعی خود را مهندسی و مدیریت کند و برای حیات و رشد خود، آنرا از آلودگی‌ها پاک و مانع ورود آلودگی‌ها و ناپاکی‌های تولید شده در محیط‌های زیست طبیعی دیگر به محیط زیست طبیعی خود شوند، در حد مقدور کشورها و ملت‌ها وظیفه دارند و می‌توانند نسبت به مهندسی و

مهندسی فرهنگ یک کار فکری و تدبیر وسیعی مبتنی بر یک سلسله مبانی نظری در مقوله فرهنگ را می‌طلبد. اما مهندسی فرهنگی ترکیبی است که از یک ترکیب صفت و موصوفی پدید آمده است، مهندسی فرهنگی یعنی مهندسی کردن، مدیریت کردن، سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه‌گیری کردن از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و در قالب فرهنگی است. در حالی که در مهندسی فرهنگ، متعلق خود مهندسی فرهنگ است. یعنی خود فرهنگ، تقدیر، اندازه و تدبیر شده، سامان یافته، جهت داده شده، اصلاح گردیده و ارتقاء بخشیده می‌شود. با مهندسی فرهنگ، آن فرهنگی که مطلوب است و باید مبنای شکل‌گیری محیط زیست فرهنگی قرار گیرد، مشخص می‌شود. فرهنگ، یک سیستم است دارای اجزایی است که این اجزاء در تعامل با هم می‌باشند. مهندسی فرهنگ، مهندسی سیستم فرهنگ است.

مهندسی فرهنگی کشور، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور و نظام‌ها و دستگاه‌ها و سیاست‌ها و قوانین و ساز و کارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف می‌باشد.

هر جامعه و کشور و ملتی بر اساس اهدافی که پیش می‌گیرد، باید خود را مهندسی و مدیریت نماید. اگر اهداف اصلی کشور اهداف اقتصادی باشد. آن کشور باید نظامات و سازمان‌های خود را بصورت اقتصادی مهندسی کند. به همین ترتیب اگر اهداف سیاسی، اهداف اصلی و غالب باشند و تسلط بر دیگر کشورها مد نظر باشد آن کشور باید کلان نظام و نظامات داخلی و سازمان‌های خود را سیاسی مهندسی کند. بنابراین مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی کلان نظام کشور و نظامات و سازمان‌ها و سیاست‌ها و قوانین و ساز و کارها، مبتنی بر اهداف فرهنگی است. (بنیانیان ۱۳۸۵، ۴)

بی‌گمان باید پذیرفت که انسان فرهنگ را می‌سازد و فرهنگ هم انسان را. فرهنگ به انسان یاد می‌دهد تا اندیشه‌های ثابت و پایداری را بیاموزد و در قالب گروه‌های پیچیده‌ای که وظایف جداگانه و ویژه دارند، سامان یابد. حال با در نظر گرفتن اهمیت زیربنایی مقوله فرهنگ، سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان و چگونه باید با توجه به اهمیت آینده‌پژوهی در فرهنگ به امر مهندسی فرهنگ پرداخت؟ آیا با انجام این امر (مهندسی فرهنگ) آینده‌ی فرهنگی مطلوب قابل تبیین و قابل دستیابی خواهد بود؟ چه آینده فرهنگی را پیش رو داریم؟ و حال برای رسیدن به وضعیت مطلوب فرهنگی چه باید کرد؟ چگونه می‌توان نسبت به ارائه الگوی مناسب مهندسی فرهنگ با توجه به رویکردها و الگوهای آینده‌پژوهی اقدام نمود؟ چگونه می‌توان از مدل‌های آینده نگاری جهت طراحی الگوی مهندسی فرهنگ استفاده کرد؟ در صورت ایجاد مدل، آیا پیاده‌سازی عملی آن توأم با موفقیت خواهد بود؟

تجربیات کشورهای مختلف در این زمینه (که البته ناچیز و فقط مباحثی در خصوص مهندسی اجتماع می‌باشد) بسیار حائز اهمیت است، اما به هیچ وجه نباید از این نکته نیز غافل شد که نسخه هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان برای جامعه دیگر تجویز کرد ولیکن مطالعه و بررسی تجربیات ملل مختلف جهان، بخصوص تجربیات موفق، حاوی درس‌ها و پندهای بسیاری برای ما است که نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آنان گذشت.

مفهوم مهندسی فرهنگ و تفاوت آن با مهندسی فرهنگی

به طور مختصر می‌توان گفت مهندسی فرهنگ عبارت است از شناسایی وضعیت موجود فرهنگ، شناسایی وضعیت مطلوب، تعیین شکاف‌ها و انحرافات فرهنگی بین دو وضعیت و یافتن راه‌کارهای از میان برداشتن این شکاف‌ها.

مفهوم و اهمیت آینده پژوهی

هر چند وظیفه‌ی اصلی آینده‌پژوهی را باید پیش‌بینی و به عبارتی کشف آینده دانست، اما آینده پژوهی هرگز در ساحت کشف آینده توقف نمی‌کند، که در این صورت به یک علم انفعالی و کم‌خاصیت تبدیل می‌شود. داعیه آینده پژوهی، عبور از مرحله کشف، و ورود به مرحله ساختن آینده یا به زبان بهتر، شکل بخشیدن به آینده است. از این رو، آینده پژوهی را به عنوان علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا تعریف می‌کنند.

ورود به عرصه‌های شکل بخشیدن به آینده باعث می‌شود که آینده پژوهی خاصیتی دوگانه پیدا نماید، هم علم باشد و هم تکنولوژی، علم پیش‌بینی آینده و تکنولوژی ساختن آینده. آینده پژوهی می‌گوید که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد.

سرعت تغییرات آنچنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آنها کنار آمد. «اگر با

تغییرات همگام نشوید، زیر چرخ عظیم تغییر خرد خواهید شد». اما آیا امکانی برای اطلاع یافتن از آینده برای ما وجود دارد؟ قطعاً در مورد آینده هیچ چیز یقینی وجود ندارد و این از اصول اولیه آینده‌شناسی است. اما اصل دیگری هم وجود دارد که: انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تاثیرگذار باشد. در این میان دانشی تولید می‌شود که سعی می‌کند با پیش‌بینی عوامل موثر در تغییرات آینده به صورتی دوگانه، هم مهار تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. آینده پژوهی فراتر از پیش‌بینی است و ادعای پیش‌گویی هم ندارد. آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده است، به آن شکل که آینده را

می‌خواهیم. کسانی که این دانش را در دست دارند هم اکنون هم به آینده جهان به دلخواه و مطلوب خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت از هم فروپاشیدند. آنها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر دانش شناخت تغییرات است. شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر ملتی است. (میلز ۱۳۷۴، ۹)

تعریف آینده پژوهی فرهنگی

آینده پژوهی فرهنگی عبارت است از تحلیل و بررسی ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای موجود در جامعه، در سطح فرهنگ ملی، عمومی و خرده فرهنگ‌ها، که برای مسأله‌شناسی فرهنگی و پایش جریان‌های فرهنگی تولید شده در حوزه‌های مختلف جامعه اعم از فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ مدنی و فرهنگ علمی انجام می‌گیرد و هدف آن آینده پژوهی فرهنگی و شناسایی به موقع جریانها و مسائل فرهنگی و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح با آنها می‌باشد. (نگاهداری ۱۳۸۴، ۳)

مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی

در مهندسی فرهنگ، استراتژی‌های فرهنگی برای رسیدن به فرهنگ مطلوب طرح، نقشه، الگو و راهی برای رسیدن به هدف‌ها در آینده‌اند و رمز موفقیت آنها نیز در طراحی و تدوین درست و اجرای دقیق در عمل است. بی شک تعیین‌کننده‌ترین عامل برای کارآمدی استراتژی‌های فرهنگی درک تصویری درست از آینده است که چنین امری تنها از طریق آینده‌نگاری امکان‌پذیر است.

علاوه بر استراتژی‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی بویژه برنامه‌های بلندمدت و چشم‌انداز در صورتی موفقیت‌آمیز است که با شناخت درست و کافی از آینده

باشید که به‌رغم تغییرات بزرگ، اساس و ارکان آنها هر روز تغییر نکند. تنها این نوع برنامه‌ریزی است که تحقق چشم‌اندازهای بزرگ و بلندمدت را تضمین می‌کند. (قدیری ۱۳۸۴، ۲۱)

ادبیات پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از دیدگاه شاین، اینگلهارت، روکیچ و با کمک آمارهای موجود در مورد رفتارهای مردم ایران (آمارهای دکتر محسنی و آمارهای پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های سال ۱۳۸۲) می‌باشد. همچنین جهت غنی‌تر شدن مباحث از دستاوردهای هافستده و چلبی استفاده گردیده است. لازم به توضیح است که آمارهای تهیه شده توسط منوچهر محسنی در حدود ۶۷ درصد جامعه آماری مربوط به تهران است. از طرفی به کارگیری «یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در ۲۸ استان کشور» از آن جهت مفید است که نسبت به مطالعه محسنی جدیدتر است (مطالعه محسنی مربوط به سال ۱۳۷۴ و مطالعه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها مربوط به سال ۱۳۸۲ می‌باشد) و از سوی دیگر جامعه آماری آن در سراسر کشور گسترده بوده است.

دستاوردهای هافستده، در همین زمینه، نیز مربوط به دهه ۱۹۷۰ میلادی می‌باشد و نتایج کار چلبی به سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ (در پنج شهر تهران، تبریز، مشهد، کرمان و استهبان) مربوط است. (محسنی ۱۳۷۹، ۱۲۵)

به نظر ادگار شاین فرهنگ از سه سطح تشکیل شده است که این سطوح از جلوه‌های آشکار و بسیار محسوسی که فرد می‌تواند ببیند و احساس کند، تا مفروض‌های اساسی ناخودآگاه که به طور عمیقی پوشیده شده‌اند و به عنوان «جوهره فرهنگ» تعریف شده‌اند، گسترده است. در سطح میانی آنها، ارزش‌ها و مقررات رفتاری مختلف حمایت شده‌ای را داریم که

همراه باشد. بر این اساس می‌توان گفت آینده‌نگاران یا آینده‌پژوهان، بازیگران کلیدی در فرایند خلق چشم‌اندازهای ملی، بخشی و سازمانی به شمار می‌روند.

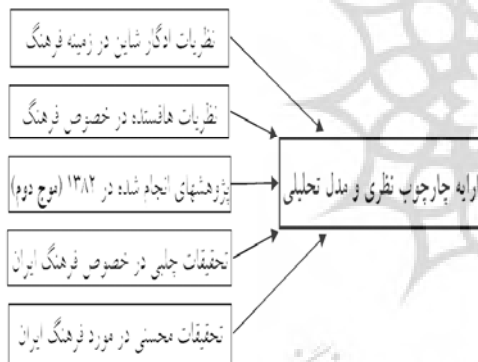
«آینده‌نگاری» یکی از گونه‌های علوم و فناوری‌های نرم محسوب می‌شود و از آنجا که ثروت حقیقی در جامعه دانش بنیان آینده، «ثروت نرم» است، لذا هر جامعه، سازمان و شرکتی که خواستار تحولات بنیادی است، ضرورتاً باید با استفاده از روشهای مختلف آینده‌نگاری و پیش‌بینی به کشف ناشناخته‌ها و جهان آینده بپردازد.

رابطه آینده‌نگاری و مهندسی فرهنگ

یکی از تعاریف مهندسی فرهنگ این است: علم و هنر بررسی وضع موجود فرهنگ، شناسایی نقاط قوت و ضعف، شناسایی وضعیت مطلوب و آنگاه هدایت فرهنگ به سمت اهداف مطلوب است. بنابراین، مدیریت فرهنگی کارآمد، یعنی آن نوع مدیریتی که فرهنگ و سازمانهای فرهنگی را اولاً، در مسیر اهداف مطلوبش تنظیم می‌کند و ثانیاً، آن را به اهداف مطلوبش می‌رساند. از این رو، اولین وظیفه «برنامه‌ریزی» است. چنانکه می‌دانیم، برنامه‌ریزی در طول یک قرن گذشته، رویکردها و مکاتب گوناگونی را تجربه کرده است. آخرین حرف در برنامه‌ریزی عبارت است از «برنامه‌ریزی پابرجا بر پایه چشم‌انداز» و اینکه برنامه‌ریزی اولاً، باید مبتنی بر یک چشم‌انداز بزرگ، شفاف، مدون و الهام‌بخش باشد؛ و ثانیاً، باید تا حد ممکن معطوف به افق‌های زمانی دور (بیش از ۲۰ سال تا ۱۰۰ سال) باشد. پس از تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، منطبق بر برنامه‌ریزی بر پایه چشم‌انداز تا حدی در کشور ما برای مدیران شناخته‌شده است. اما کمتر مدیری را می‌یابیم که با منطبق «برنامه‌ریزی پابرجا» آشنا باشد. برنامه‌ریزی پابرجا بدین معناست که شما در جست‌وجوی سیاست‌ها و راهبردهای بسیار بلندمدتی

۲) بررسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف فرهنگ موجود و ارزیابی آنها؛
 ۳) تدوین آینده فرهنگی (فرهنگ مطلوب) یعنی مبنا قرار دان حال و گذشته برای پیش‌بینی آینده (آینده نگاری)؛
 ۴) بررسی، کشف و شناسایی و یافتن شکاف‌های بین فرهنگ موجود و فرهنگ مطلوب و ارائه سناریوهایی جهت پر کردن این شکاف‌ها و در نهایت رسیدن به الگویی جهت مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده نگاری (آینده پژوهی) جهت حرکت از وضعیت موجود به سمت فرهنگ مطلوب.

شکل (۱): چگونگی دستیابی به چارچوب نظری



سوالات پژوهش

- ۱) چگونه می‌توان نسبت به ارائه الگوی مناسب مهندسی فرهنگ با توجه به رویکردها و الگوهای آینده پژوهی اقدام نمود؟
- ۲) چگونه می‌توان از مدل‌های آینده نگاری جهت طراحی الگوی مهندسی فرهنگ استفاده کرد؟
- ۳) در صورت ایجاد مدل، آیا پیاده سازی عملی آن توأم با موفقیت خواهد بود؟

اعضای طرفدار فرهنگ به منزله روش تشریح فرهنگ، برای خود و دیگران از آن استفاده می‌کنند.
 اگر فردی، مفهوم الگوی مفروض اصلی را که ممکن است جاری باشد، درک نکند، نخواهد توانست این مصنوع‌ها را به طور صحیح تفسیر نماید و یا این که برای این ارزش‌های مرتبط به هم، اعتبار قائل باشد. به عبارت دیگر، «جوهره فرهنگ» در الگوی «مفروض‌های اساسی» زیر مجموعه آن فرهنگ قرار دارد. با پیمودن سیر تکاملی توسط گروه‌ها، آنها، مفروض‌های مشترکی را در مورد موضوع‌هایی انتزاعی، کلی و ژرف، شکل می‌دهند. بیشتر ابعاد زیربنایی چنین موضوع‌هایی، از بافت فرهنگی گسترده‌تری که گروه در آن واقع شده، حاصل می‌شوند. در این مورد، مفروض‌های اساسی گروه، در شش دسته، گروه‌بندی می‌شوند که عبارتند از: ماهیت واقعیت و حقیقت، ماهیت زمان، ماهیت فضا و مکان، ماهیت طبع انسان، ماهیت فعالیت انسانی، ماهیت روابط انسانی.
 در کنار این شش مورد باید به دو مقوله زبان و مذهب نیز توجه داشت. بدیهی است که زبان و مقولات مفهومی به طور مستقیم، مفروض‌ها را منتقل می‌کنند و بی‌تردید می‌توانیم مذهب و ایدئولوژی را اموری فرض کنیم که آنها نیز به طور مستقیم با مفروض‌ها مرتبط هستند. (شاین ۱۳۸۳، ۱۷)

اهداف پژوهش

هر پژوهشی برای دستیابی به اهداف خاص صورت می‌گیرد این هدف خود را در قالب مساله پژوهش نمودار می‌سازد و از طریق بیان آشکار می‌شود. هدف کلی پژوهش حاضر ارائه الگوی مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی می‌باشد ولی در کنار آن اهداف فرعی زیر را نیز دنبال می‌کند:

- ۱) بررسی وضعیت موجود فرهنگ و مفروضات اساسی مردم بر اساس دیدگاه‌های شاین؛

روش پژوهش

جمله ایران بوده است. در ایران تحقیقات زیادی در حد تئوریک در این زمینه انجام گردیده است ولی تاکنون مدل عملی و قابل اجرایی برای انجام این مهم ارائه نشده است. به همین علت در این پژوهش سعی گردیده است که ضمن استفاده از نظریات و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی از جمله تحقیقات و نظریات ادگار شاین ضمن شناسایی فرهنگ موجود، نقاط قوت و ضعف آن بررسی شده و در این راستا سناریوهای مختلف با توجه به تکنیک‌های آینده پژوهی برای رسیدن به الگوی مطلوب مهندسی فرهنگ ارائه گردیده است. برای رسیدن به این اهداف ابتدا لایه‌های ابعاد فرهنگ که شامل: مصنوعات و دست ساخته‌ها، ارزشها و هنجارها و مفروضات اساسی می‌باشند مطرح و سپس برای هر یک از لایه‌ها مولفه‌ها و شاخص‌هایی به شرح ذیل معرفی می‌گردند:

سطح مصنوعات: الف) نمودهای فیزیکی؛ ب) نمودهای رفتاری؛ ج) نمودهای شفاهی.

سطح ارزشها و هنجارها: الف) استراتژیها؛ اهداف و فلسفه‌ها؛ ب) نظری؛ ج) اقتصادی؛ د) زیبایی؛ ه) اجتماعی؛ و) سیاسی؛ ز) دینی و اخلاقیات.

سطح مفروضات بنیادی: الف) ارتباط با محیط؛ ب) طبیعت واقعیت و حقیقت؛ ج) طبیعت زمان؛ د) طبیعت روابط انسانی؛ ه) طبیعت فضا؛ و) طبیعت وجودی انسانی؛ ز) طبیعت اطلاعات و ارتباطات انسانی؛ ح) طبیعت فعالیت انسانی؛ ط) یک شکلی خرده فرهنگی در مقابل تنوع فرهنگی؛ ی) وظیفه‌گرایی در مقابل با رابطه‌گرایی؛ ک) تفکر خطی در مقابل با تفکر نظام‌گرا. پس از بررسی آراء و عقاید صاحب نظران فرهنگ

از قبیل ادگار شاین، گرت هافستده، و... چارچوب اصلی پژوهش استخراج گردیده و سپس ابعاد مختلف مهندسی فرهنگ و تکنیک‌های آینده پژوهی مورد بررسی قرار گرفته و ضمن مصاحبه با خبرگان نسبت به

این مقاله از لحاظ روش، کار روی ساختارهای کیفی را مدنظر دارد. از حیث روش پژوهش یک مدل‌سازی را مطرح می‌سازد و از حیث هدف کاربردی است زیرا با توجه به گستردگی موضوع مهندسی فرهنگ، می‌توان از نتایج این مقاله بهره‌برداری و نسبت به مهندسی و ساماندهی فرهنگ جامعه خود اقدام کرد و سپس راهکارهای لازم را برای رسیدن به وضعیتی مطلوبتر ارائه نمود.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای تدوین ادبیات موضوعی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش برداری به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده و برای بررسی و مشخص نمودن اهمیت فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی (در فرهنگ موجود و مطلوب) نیز با ابزار پرسشنامه به گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل و حصول نتایج از داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با در نظر گرفتن روش انجام پژوهش از یک سلسله فنون آماری استفاده گردیده است. همچنین از نرم افزارهای آماری برای مقایسه میانگین دو جامعه تفاوت نظر دو جامعه (و محاسبه ضرایب فنی مدل و از نرم افزار آماری MATLAB برای مقایسه زوجی استفاده شده است. و در نهایت مدل کمی (ریاضی) و الگوی مهندسی فرهنگ طراحی و ارائه گردیده است.

تشریح مدل و مراحل اجرایی پژوهش

مباحث مربوط به فرهنگ خصوصاً مهندسی فرهنگ و ساختن آینده فرهنگی مطلوب یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مسئولین و دست‌اندرکاران تمامی جوامع از

تعیین مولفه‌های فرهنگ موجود و مطلوب و نهایتاً تعیین شاخص برای هر یک از مولفه‌ها اقدام گردید. در مرحله بعد ضمن مراجعه به خبرگان نسبت به وزن دهی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها اقدام به عمل آمد. در این میان سعی گردید که نخبگانی انتخاب شوند که بطور مستقیم درگیر مباحث مهندسی فرهنگ بوده و یا دانشجویان دوره دکتری که آشنایی کاملی با این مباحث داشته باشند. در وزن‌دهی نخبگان یک بار به صورت جداگانه به هر یک از ابعاد بر حسب اهمیت آنها امتیاز داده و بار دیگر ضمن مشاهده همه عناصر به موارد مورد نظر امتیاز داده‌اند.

۲) وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه‌های رفتاری

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان ۳۰ درصد تغییرات و تحولات مولفه‌های رفتاری ناشی از تغییر و دگرگونی مناسک و مراسم می‌باشد و ۲۵ درصد تغییرات مولفه‌های رفتاری متأثر از آداب و رسوم و سنت‌ها بوده و مابقی تغییرات مولفه‌های رفتاری سهم الگوهای ارتباطی و پاداش و تنبیه می‌باشد.

۳) وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه‌های شفافیت

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان ۲۴ درصد تغییرات و تحولات مولفه‌های شفافیت ناشی از تغییر و دگرگونی اسطوره‌ها و قهرمانان می‌باشد و ۲۱ درصد تغییرات مولفه‌های شفافیت متأثر از استعاره‌ها بوده و مابقی تغییرات مولفه‌های شفافیت سهم حکایات و لطیفه‌های، اسامی و القاب و تاریخ می‌باشد.

۴) وزن نهایی هر یک از مولفه‌های سطح مصنوعات یا دست ساخته‌ها

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشتر درصد تغییرات و تحولات مولفه‌های مصنوعات یا دست ساخته‌ها ناشی از تغییر و دگرگونی در مولفه‌های

در گام آخر پس از وزن‌دهی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها توسط خبرگان، پرسشنامه‌ها در میان تعداد ۲۰ نفر از اعضای جامعه هدف از جمله دانشجویان رشته مدیریت فرهنگی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی جهت اندازه‌گیری فرهنگ موجود توزیع و پس از گردآوری توسط نرم افزار Matlab نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شده است.

تعیین وزن نهایی سطوح سه‌گانه فرهنگ

با توجه به نتایج بدست آمده، از دیدگاه نخبگان ۳۶ درصد تغییرات و تحولات فرهنگ جامعه ناشی از تغییر و دگرگونی مفروضات اساسی فرهنگ جامعه می‌باشد و ۳۴ درصد تغییرات فرهنگ جامعه متأثر از مصنوعات یا دست ساخته‌های بشری است و مابقی تغییرات فرهنگ جامعه سهم ارزش‌های حمایت شده می‌باشد.

تعیین وزن نهایی شاخص‌های مربوط به مولفه‌های سطح مصنوعات و نمادها

۱) تعیین وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه‌های فیزیکی

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان آثار هنری که یکی از شاخص‌های فیزیکی است با

وزن نهایی هر یک از مولفه‌های ارزش‌ها و هنجارها
باتوجه نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان
بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه‌های ارزش‌ها و
هنجارها از تغییر و دگرگونی در مولفه‌های دینی و
اخلاقیات و استراتژی و اهداف می‌باشد و مولفه‌های
کشف حقیقت و اجتماعی در رده بعدی اهمیت قرار
دارند و عوامل باقیمانده (اقتصاد، شکل هماهنگی و
سیاست) در تغییرات مولفه‌های ارزش‌ها و هنجارها
سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه ارتباط با محیط

باتوجه نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان
بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه ارتباط با
محیط از تغییر و دگرگونی در مولفه غلبه جامعه
می‌باشد و شاخص همزیستی در رده دوم اهمیت قرار
دارد و شاخص غلبه محیط در تغییرات مولفه‌های
طبیعت و واقعیت و حقیقت سهم کمتری دارد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت و واقعیت و حقیقت

باتوجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان
بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت
و واقعیت و حقیقت از تغییر و دگرگونی در شاخص
اخلاق‌گرایی و عمل‌گرایی می‌باشد و شاخص بافت قوی
و ضعیف فرهنگی در رده دوم اهمیت قرار دارد و
عوامل باقیمانده چستی اطلاعات و سطوح واقعیت در
تغییرات مولفه طبیعت و واقعیت و حقیقت سهم کمتری
دارند.

نمادهای فیزیکی می‌باشد و مولفه‌های نمادهای رفتاری
و نمادهای شفاهی در رده بعدی اهمیت قرار دارند.

تعیین وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مربوط به مولفه‌های سطح ارزش‌ها و هنجارها

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه استراتژی
با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان ۳۸
درصد تغییرات و تحولات مولفه استراتژی و اهداف
ناشی از تغییر و دگرگونی اهداف فردی می‌باشد و ۳۲
درصد تغییرات مولفه استراتژی و اهداف متأثر از
اهداف سازمانی بوده و مابقی تغییرات مولفه استراتژی
و اهداف سهم اهداف گروهی می‌باشد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه اجتماعی

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان ۳۷
درصد تغییرات و تحولات مولفه اجتماعی ناشی از
تغییر و دگرگونی در میزان مشارکت افراد می‌باشد و ۳۵
درصد مولفه اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی بوده و
مابقی تغییرات مولفه اجتماعی سهم عشق ورزیدن به
مردم می‌باشد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه دین و اخلاقیات

باتوجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان ۳۷
درصد تغییرات و تحولات مولفه دین و اخلاقیات ناشی
از تغییر و دگرگونی در اصول و قواعد اخلاقی می‌باشد
و ۳۵ درصد مولفه‌های دینی و اخلاقیات متأثر از
ارزش‌های دینی بوده و مابقی تغییرات مولفه‌های دینی
و اخلاقیات سهم وحدت تجربه و درک عالم خلقت
می‌باشد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه جهت‌گیری زمان

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه جهت‌گیری زمان از تغییر و دگرگونی در شاخص‌گرایی به حال می‌باشد و شاخص آینده‌نگر در رده دوم اهمیت قرار دارد و عامل باقیمانده گذشته‌نگر در تغییرات مولفه‌های جهت‌گیری زمان سهم کمتری دارد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه افق تشخیص زمان

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه‌ی افق تشخیص زمان از تغییر و دگرگونی در مولفه نگرش بلند مدت می‌باشد و شاخص نگرش میان مدت در رده دوم اهمیت قرار دارد و شاخص باقیمانده کوتاه مدت در تغییرات مولفه‌های افق تشخیص زمان سهم کمتری دارد.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت زمان

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت زمان از تغییر و دگرگونی در شاخص زمان برنامه ریزی و توسعه می‌باشد و شاخص جهت‌گیری زمان در رده دوم اهمیت قرار دارد و عوامل باقیمانده در تغییرات مولفه‌های طبیعت زمان سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت روابط انسانی

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت روابط انسانی از تغییر و دگرگونی در شاخص

ویژگی‌های روابط و نقش‌ها می‌باشد و شاخص جمع‌گرایی در رده دوم اهمیت قرار دارد و عوامل باقیمانده (مشارکت و فردگرایی) در تغییرات مولفه طبیعت روابط انسانی سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه وظیفه گرایی در مقابل رابطه‌گرایی

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه وظیفه‌گرایی در مقابل رابطه‌گرایی از تغییر و دگرگونی در شاخص عمدتاً رابط‌مدار می‌باشد و شاخص عمدتاً وظیفه‌مدار در رده دوم اهمیت قرار دارد و شاخص‌های باقیمانده در تغییرات مولفه وظیفه‌گرایی در مقابل رابطه‌گرایی سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت فضا

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت فضا از تغییر و دگرگونی در شاخص کاربردهای نمادین مکان و زمان می‌باشد و شاخص زبان بدن در رده دوم اهمیت قرار دارد و عوامل باقیمانده فاصله و قرار گرفتن نسبی در تغییرات مولفه‌های طبیعت فضا سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت وجودی انسان

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت وجود انسانی از تغییر و دگرگونی در مولفه انسانهای خوب می‌باشد و مولفه طبیعت متغیر انسان در رده دوم اهمیت قرار دارد و عوامل باقیمانده (طبیعت ثابت و انسانهای بد) در تغییرات مولفه طبیعت وجود انسانی سهم کمتری دارند.

وزن نهایی هر یک از شاخص‌های مولفه طبیعت فعالیت انسان

با توجه به نتایج بدست آمده از دیدگاه نخبگان بیشترین درصد تغییرات و تحولات مولفه طبیعت فعالیت انسانی از تغییر و دگرگونی در شاخص جهت‌گیری فعالیت‌ها و تعریف نقش (روابط جامعه - محیط) می‌باشد و شاخص جهت‌گیری در رده دوم اهمیت قرار دارد و عوامل باقیمانده (جهت‌گیری بودن و جهت‌گیری انجام عمل) در تغییرات مولفه طبیعت فعالیت انسانی سهم کمتری دارند.

مدل کمی مهندسی فرهنگ

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل آنها در ادامه مدل کمی پژوهش در قالب اعداد و اشکال به تصویر کشیده شده است. این مدل بر اساس اهمیت و وزن هر یک از مولفه‌ها و شاخص‌های مربوطه بر اساس وضعیت مطلوب فرهنگ تعیین شده است.

بدیهی است که این مدل قابلیت تطابق با مولفه‌های فرهنگ در زمان‌ها و شرایط متفاوت را خواهد داشت چرا که بر اساس این الگو می‌توان در هر دوره پس از کسب نظر نخبگان و تعیین اهمیت و وزن مولفه‌ها آن را به روز نموده و با فرهنگ موجود مقایسه و انحرافات و شکاف‌های فرهنگی را کشف نمود. (لازم به توضیح است که به دلیل کاهش حجم اطلاعات برخی از مولفه‌های کم‌اهمیت‌تر در سطح مفروضات اساسی و زیربنایی در مدل کمی زیر ذکر نگردیده است).

اندازه‌گیری شاخص‌ها و تعیین شکاف و انحراف بین وضع موجود و مطلوب

پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و همچنین مقایسه بین مولفه‌های فرهنگ موجود با فرهنگ مطلوب نتایج زیر حاصل گردید:

الف) مقایسه مولفه‌ها و شاخص‌های سطح مصنوعات، نمادها و دست‌ساخته‌ها در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ: باتوجه نتایج بدست آمده پس از مقایسه مولفه‌های نمادهای فیزیکی، نمادهای رفتاری و نمادهای شفاهی در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ مشخص گردید که در سطح مصنوعات و دست‌ساخته‌های فرهنگ، مولفه نمادهای فیزیکی از بین سایر مولفه‌ها دارای بالاترین انحراف و شکاف فرهنگی می‌باشد.

ب) مقایسه مولفه‌ها و شاخص‌های سطح ارزش‌ها و هنجارها در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ: با توجه نتایج بدست آمده پس از مقایسه مولفه‌های مربوط به سطح ارزش‌ها و هنجارها در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ مشخص گردید که در این سطح فرهنگ، مولفه اجتماعی از بین سایر مولفه‌ها دارای بالاترین انحراف و شکاف فرهنگی می‌باشد.

ج) مقایسه مولفه‌ها و شاخص‌های سطح مفروضات اساسی در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ: باتوجه نتایج بدست آمده پس از مقایسه مولفه‌های مربوط به سطح مفروضات اساسی در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ مشخص گردید که در این سطح فرهنگ، مولفه‌های وظیفه‌گرایی و رابطه‌گرایی و مولفه طبیعت فعالیت انسانی از بین سایر مولفه‌ها دارای بالاترین انحراف و شکاف فرهنگی می‌باشد.

مقایسه بین سطوح مختلف فرهنگ در دو وضعیت موجود و مطلوب و تعیین شکاف (انحراف)

با توجه به نتایج بدست آمده پس از مقایسه سطوح فرهنگ در دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ مشخص گردید که سطح مفروضات اساسی از بین سایر سطوح دارای بالاترین انحراف و شکاف فرهنگی بوده و سطح‌های ارزش‌ها و هنجارها و مصنوعات نمادها به ترتیب دارای انحراف می‌باشند.

نگارش سناریو جهت پر کردن شکاف‌ها و انحرافات فرهنگ موجود و مطلوب

بررسی‌ها تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در فوق نشان می‌دهد که بین وضع موجود و مطلوب فرهنگ کشور شکاف و انحراف عمیقی وجود دارد. این انحرافات بعضاً در برخی از شاخص‌ها، مؤلفه‌ها سطوح بسیار زیاد و در برخی دیگر کمتر است. در این قسمت سعی می‌گردد با توجه به انحرافات مشخص شده سناریوهایی تدوین گردد تا به وسیله این سناریوها و به کارگیری آنها بتوان به کم کردن شکاف بین دو وضعیت فرهنگ و یا پر کردن شکاف بین این دو وضعیت اقدام نمود، لذا سعی می‌گردد شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و در نهایت سطوحی که دارای بالاترین شکاف و انحراف می‌باشند شناسایی و سناریو لازم تدوین شود.

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص است از بین سه سطح فرهنگی (سطح مصنوعات و نمادها، ارزش‌های وهنجارها و مفروضات اساسی) سطح مفروضات اساسی دارای بیشترین شکاف و انحراف فرهنگی می‌باشد. که از بین مؤلفه‌های آن مؤلفه وظیفه‌گرایی در مقابل رابطه‌گرایی و مؤلفه طبیعت‌ فعالیت انسانی و همچنین از بین مؤلفه‌های سطح مصنوعات و نمادها، مؤلفه نمادهای فیزیکی و از بین مؤلفه‌های سطح ارزش‌های وهنجارها، مؤلفه اجتماعی و مؤلفه دین و اخلاقیات دارای بیشترین شکاف و انحراف فرهنگی در وضع موجود و مطلوب فرهنگ کشور می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق شاخص‌هایی که دارای بیشترین شکاف و انحراف فرهنگی در کلیه سطوح می‌باشند و باید در تدوین سناریوها مد نظر قرار گیرد به شرح ذیل بیان می‌گردند:

الف) شاخص نوع لباس و پوشش از مؤلفه نمادهای فیزیکی، شاخص مناسک و مراسم از مؤلفه نمادهای رفتاری و شاخص اسطوره‌ها، قهرمانان و

تاریخ از مؤلفه نمادهای شفاهی در سطح مصنوعات و نمادها.

ب) شاخص استراتژیها و اهداف فردی از مؤلفه استراتژیها و اهداف، شاخص مشارکت از مؤلفه اجتماعی و شاخص اصول و قواعد اخلاقی از مؤلفه دینی و اخلاقیات در سطح ارزشها و هنجارها.

ج) شاخص همزیستی از مؤلفه ارتباط با محیط، شاخص چستی اطلاعات و اخلاق‌گرایی - عملگرایی از مؤلفه طبیعت و واقعیت، شاخص حال‌گرا از مؤلفه جهت‌گیری زمان، شاخص افق بلند مدت از مؤلفه افق تشخیص زمان، شاخص زمان برنامه‌ریزی و توسعه از مؤلفه طبیعت زمان، شاخص و ویژگی‌های روابط و نقش‌ها از مؤلفه طبیعت روابط انسانی، شاخص وظیفه‌گرایی از مؤلفه و وظیفه‌گرایی در مقابل رابطه‌گرایی، شاخص کاربردهای نمادین مکان و زمان از مؤلفه طبیعت فضا، شاخص طبیعت متغیر انسان از مؤلفه طبیعت وجودی انسان و شاخص جهت‌گیری فعالیت‌ها و تعریف نقش از مؤلفه طبیعت فعالیت انسان.

با توجه به اینکه در صورت عدم تغییر استراتژی‌ها و سیاست‌های فرهنگی و ادامه روند فعلی در آینده نه چندان دور، فرهنگ کشور شدیداً در محیط داخلی و خارجی مورد تهاجم و صدمه قرار گرفته و کلیه سطوح موجود فرهنگ با فرهنگ مطلوب و مناسب کشور دارای شکافی بسیار عمیق خواهند شد که پر کردن شکاف‌ها و انحرافات به سادگی امکان پذیر نمی‌باشد، لذا باید با توجه به وضعیت موجود فرهنگ و ترسیم آینده مطلوب آن ضمن از بین بردن و یا کاهش نقاط ضعف در تمامی زمینه‌های فرهنگ و نیز افزایش نقاط قوت آن نسبت به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط داخلی و خارجی کشور اقدام نموده و به شکاف‌های زیر اهمیت و اولویت خاصی داده شود:

روزمره و همچنین کمک از رسانه‌های گروهی در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی صورت پذیرد.

(د) انحرافات موجود در مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطح ارزش‌ها و هنجارها، نشان می‌دهد که سازگاری بسیار کمی بین ارزش‌ها و هنجارها و مفروضات اساسی فرهنگ کشور وجود دارد. لذا با توجه به این عدم سازگاری نمی‌توان ارزش‌ها را به فلسفه عملیاتی تبیین نمود و به همین علت این موضوع مهم که به منزله منبع تعیین هویت و هسته مأموریت و فلسفه وجودی افراد جامعه می‌باشد دچار ضعف و سستی خواهد شد. از طرفی دیگر برخی از ناسازگاری‌های موجود بین ارزش‌ها و رفتار مشاهده شده موجب درک بخش بسیار کوچکی از فرهنگ خواهد گردید.

شکاف و انحرافات فرهنگی ایجاد شده در شاخص‌های اهداف فردی، مشارکت و اصول و قواعد اخلاقی از سطح ارزش‌ها و هنجارها نشان می‌دهد که چنانچه این شکاف‌ها پرنگردند و در جهت کاهش ناسازگاری‌های بین سطوح مختلف خصوصاً بخش ارزش‌ها با مفروضات اساسی اقدام نشود آسیب‌پذیری فرهنگ جامعه قطعی خواهد بود که در این راستا می‌توان روحیه مشارکت در بین افراد جامعه را گسترش داده و با توجه به مفروضات دینی و اعتقادات مردم بر اساس دین مبین اسلام بحث‌های مختلف مربوط به مشارکت و همیاری را گسترش داد. همچنین ترویج اصول و قواعد اخلاقی بر اساس فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی و گسترش شیوه‌های پایبندی به آنها و توجه بیشتر به این مهم می‌تواند در هدایت فرهنگ موجود بسمت وضعیت مطلوب مؤثر باشد.

(ه) جوهره فرهنگ در الگوی مفروضات اساسی در زیر مجموعه آن فرهنگ قرار دارد و زمانی که فرد آنها را درک کند می‌تواند به آسانی سطوح ظاهری دیگر آنها را درک کند و به طور مناسب آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهد. شکاف‌ها و انحرافات ایجاد شده در

(الف) بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در شکاف و انحراف فرهنگی بین شاخص لباس و پوشش در نمادهای فیزیکی از سطح مصنوعات به شدت رو به افزایش بوده و در صورت عدم توجه به این مهم در ده سال آینده این شاخص فرهنگی به شدت دچار آسیب خواهد گردید. لذا راهکار اصلی پرداختن هر چه جدی‌تر به مباحث پوشش ملی و احیا نمودن فرهنگ اصیل پوشش ایرانی-اسلامی است.

(ب) شواهد نشان می‌دهد که چنانچه آداب و رسوم و مناسک و مراسمی که در کشور بر پا می‌گردد اگر با دیدگاه رفتارهای تقلیدی که از نیاکان به ارث رسیده است نگریده شود و فلسفه وجودی و اصلی آنها برای جامعه خصوصاً قشرهای نوجوان و جوان تبیین نشود، نابودی و بی‌محتوا شدن آنها حتمی است. لذا با توجه به وجود شکاف بسیار عمیق در این شاخص بین دو وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ از هم اکنون مسئولان فرهنگ کشور باید در راستای انطباق هر چه بیشتر مراسم، مناسک و آداب و رسوم رایج در جامعه (که بعضاً وارداتی بوده و هیچگونه پیوندی با فرهنگ ایرانی، اسلامی ندارد) با فرهنگ غنی کشور اقدام نمایند.

(ج) در وضعیت موجود فرهنگ با هر چه کم‌رنگ‌تر شدن اسطوره‌ها و قهرمانان تاریخی مواجه هستیم. این وضعیت نشان می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک فرهنگ‌های مهاجم با استفاده از این نقطه ضعف فرهنگ داخلی قهرمانان و اسطوره‌های خود را بر اسطوره‌های فرهنگ داخلی غالب نمایند. نمونه بارز این موضوع ساختن فیلم‌های هالیوودی همانند فیلم ۳۰۰ و... می‌باشد که با قهرمان پروری و اسطوره پردازی کاذب، سعی در تخریب این شاخص مهم فرهنگ دارد. در این راستا باید تلاش‌های لازم جهت احیا نمودن و پر کردن شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب با گنجاندن بحث‌های متفاوت این شاخص در کتب درسی، وارد کردن این موضوعات در زندگی

نشان داده و شرایط لازم را برای محو آداب و رسوم اصیل ایرانی - اسلامی و همچنین جایگزینی اسطوره‌های خود به جای اسطوره‌های فرهنگ کشور فراهم آورند. از طرف دیگر عدم وجود سازگاری در بین سطوح مختلف فرهنگ (مصنوعات، ارزشها و مفروضات) از یک سو و همچنین شکاف عمیق ایجاد شده در شاخص‌های اهداف فردی، مشارکت و اصول و قواعد اخلاقی موجب می‌گردد که افراد بدلیل عدم تبیین صحیح اهداف خود و عدم امکان تفکیک آن از سایر اهداف و استراتژیها نتواند آنچنان که باید و شاید در راستای اهداف فرهنگی کشور حرکت نماید. از طرف دیگر، از بین رفتن روحیه مشارکت و سست شدن پایه اعتقادات دینی و اخلاقی افراد جامعه، از خود تهی شدن و از خود بیگانی فرهنگی را برای مردم در پی دارد. وجود جزمیت‌های صرف مبتنی بر سنت یا مذهب و یا حتی جزمیت مخرب، (مبتنی بر اقتدار خردمندان) باعث عدم اقدام عملی افراد جامعه شده و همه افعال و اعمال را در خواست و اراده خداوند دانسته و اراده و اختیار انسانی را انکار می‌نمایند. عدم توجه مسئولان و مردم به وضعیت موجود و زمانی که در حال گذراندن آن هستند (حال گرایی) باعث می‌شود که فرهنگ نگرانی از کارها در آینده رواج یابد بدون آنکه توجه داشته باشند که چگونه وظیفه کنونی و حال حاضر خود را به نحو احسن انجام دهند. دیدگاه جامعه در بخشی از زمان بسمت زمان برنامه ریزی شده حرکت می‌نمایند و اعتقادات به این سمت حرکت می‌کند که هر کار همان قدر زمان می‌برد که باید برود و بر همین اساس دست به عمل زده و تفکر انسان فرزانه‌ای که بر جهان بیرون اثر گذار است از فرهنگ کشور محو می‌گردد. توجه افراد به منافع شخصی خود با توجه به انحراف شدید ایجاد شده در شاخص جهت‌گیری فعالیت‌ها و تعریف نقش از سطح مفروضات اساسی مقدم بر تمامی منافع اجتماعی، دینی

بین وضع موجود سطح مفروضات اساسی فرهنگ و وضع مطلوب آن نشان می‌دهد که شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ کشور در این بخش (همچنانکه تحقیقات دیگر انجام شده، مانند تحقیقات آقای دکتر محسنی و همکاران نشان می‌دهد) بسمت ضعیف شدن حرکت نموده و هر روز بر آسیب پذیری آنها با توجه به شیوه‌های جدید تهاجم فرهنگی در این زمینه افزوده می‌شود.

شکاف‌ها و انحرافات فرهنگی موجود در شاخص‌های همزیستی، اطلاعات، اخلاق گرایی و عملگرایی، حال گرایی، افق بلند مدت زمان، وظیفه‌گرایی، طبیعت متغیر انسانی و جهت گرایی فعالیتها و تعریف نقش، که البته بسیار عمیق هم می‌باشد، نشان می‌دهد که عدم اهتمام و توجه مسئولان کشور به تقویت این شاخص‌ها و بالا بردن نقاط قوت آنها موجب می‌گردد تهدیدهای خارجی قدرتمندتر گردیده و آسیب جدی بر پیکره فرهنگ کشور وارد نمایند.

حال با توجه به شکاف‌ها و انحرافات بدست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین توضیحات ارائه شده، در صورت عدم توجه و اهتمام مسئولان فرهنگ کشور سناریوی زیر برای فرهنگ کشور در ده سال آینده اتفاق خواهد افتاد:

شیوه لباس و پوشش مردم از شکل ملی (ایرانی - اسلامی) خارج شده و اکثر پوشش‌ها در کشور در قالب پیروی از مدهای وارداتی کشورهای دیگر و فرهنگ‌های مهاجم شکل می‌گیرد و این پوشش به دلیل ناسازگاری با مفروضات اساسی و ارزش‌ها خصوصاً در مؤلفه دین و اخلاقیات و اخلاق گرایی و عملگرایی، آسیب جدی را بر فرهنگ کشور وارد خواهد نمود. کشورهای بیگانه فرصت طلب با توجه به ضعف ایجاد شده در سطح ظاهری و مصنوعات فرهنگ سعی می‌نمایند بخش قابل مشاهده فرهنگ خود را پر جلوه‌تر

فرهنگ موجود و مطلوب و همچنین رفع انحرافات اقدام نمود. در این بخش از پژوهش به جمع‌بندی پرداخته و نخست یافته‌های پژوهش در سه دسته معرفی و ارایه می‌گردد. یافته‌های پژوهش در رابطه با پاسخ دهی به سوالات و اهداف طرح، یافته‌های ناشی از ادبیات پژوهش و در آخر یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری محقق ارائه و سپس بر اساس این یافته‌ها در بخش بعدی به ارائه پیشنهادها پرداخته می‌شود. پیشنهادهای پژوهش نیز می‌تواند در راستای بهبود وضعیت فرهنگ موجود جامعه و رسیدن به فرهنگ مطلوب و نیز برای محققین آتی بکار گرفته شود.

یافته‌های پژوهش با توجه به اهداف و سوالات طرح

با توجه به این سوال پژوهش که چگونه می‌توان نسبت به ارائه الگوی مهندسی فرهنگ با توجه به رویکردها و الگوهای آینده پژوهی اقدام نمود؟ فرآیند پژوهش انجام شده نشان دهنده این مطلب است که مدل کمی و الگوی طراحی شده قابلیت مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی را دارا می‌باشد.

در رابطه با پاسخ سوال دوم پژوهش، که چگونه می‌توان از مدل‌های آینده نگاری جهت طراحی الگوی مهندسی فرهنگ استفاده کرد؟ در پژوهش انجام شده مشخص شد که می‌توان از تکنیک‌های مختلف آینده نگاری از جمله سناریو نویسی و روش کارشناسی در جهت یافتن وضعیت مطلوب فرهنگ استفاده نمود.

داده‌های حاصل از انجام این پژوهش نشان دهنده این مطلب است که هدف کلی و اصلی طرح که همانا ارائه الگوی مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی می‌باشد برآورده گردیده و اهداف فرعی طرح نیز از قبیل شناسایی و وضعیت فرهنگ موجود به خوبی برآورده شده و وضعیت فرهنگ موجود به وضوح مشخص گردیده است و چنانچه در صدد شناسایی

و... قرار خواهد گرفت. انسانها در فرهنگ آینده از هم بیگانه‌اند و بحث‌های انزوا و زندگی انفرادی و عدم حضور در جمع به شدت جای مشارکت و اتحاد و یکپارچگی گروهی را خواهد گرفت و روابط بین مردم بصورت روابط فروشنده - خریدار و یا روابط اشاعه یافته یا اختصاصی خواهد شد.

تمامی موارد و اطلاعات فوق نشان می‌دهد که چنانچه هیچ اهمیتی از طریق مسوولان فرهنگ کشور در خصوص رفع شکاف‌ها و انحرافات صورت نپذیرد، فرهنگی که در ده سال آینده در حال شکل گرفتن می‌باشد در هیچ یک از سطوح دارای ویژگی‌های یک فرهنگ مطلوب و ارزنده نمی‌باشد. شکاف‌های موجود در صورت عدم توجه و اهتمام مسوولان فرهنگ کشور عمیق‌تر شده و راه را برای نفوذ فرهنگ‌های بیگانه هموارتر می‌سازد.

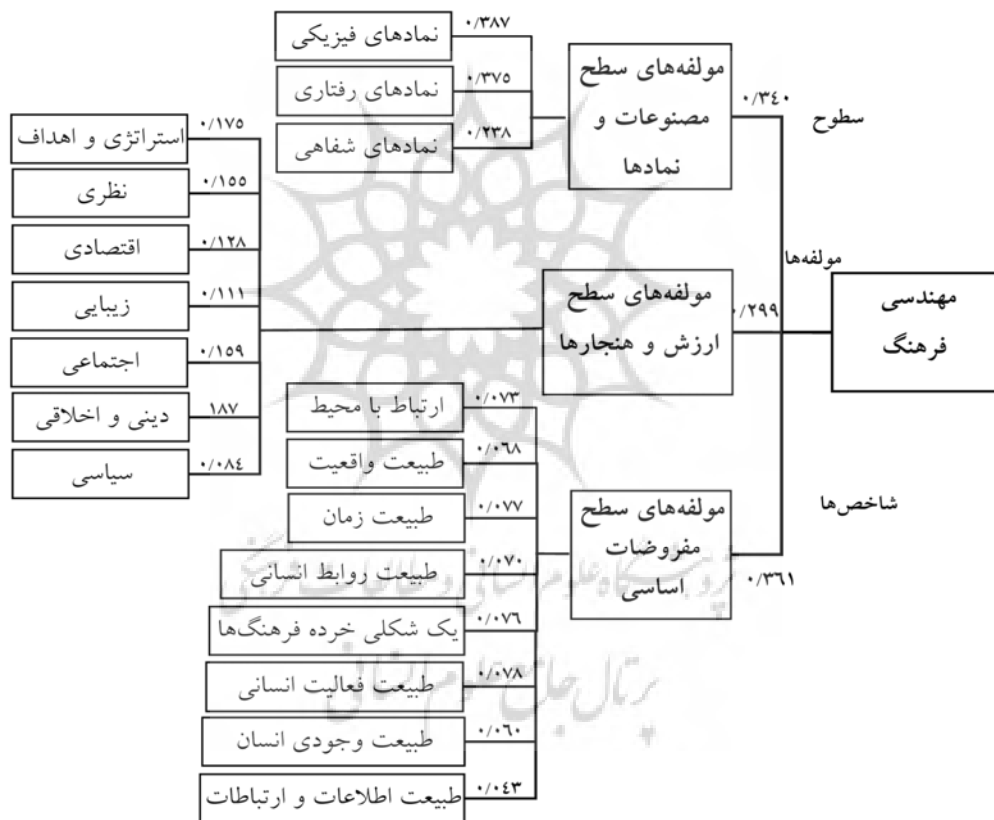
جمع بندی و نتیجه گیری

همانگونه که ملاحظه گردید در این مقاله در راستای ارائه الگوی مهندسی فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی، ضمن بررسی نظریات و الگوهای ارائه شده از سوی اندیشمندان مختلف، الگوی تلفیقی جهت مهندسی فرهنگ در سه سطح و ۲۱ مولفه و در حدود ۸۱ شاخص طراحی گردید و پس از مراجعه به نخبگان، اساتید و دانشجویان رشته مدیریت فرهنگی نسبت به وزن دهی و تعیین اهمیت هریک از مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ موجود و مطلوب اقدام و سپس شکاف‌ها و انحرافات بین مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ موجود و فرهنگ مطلوب مشخص گردید. متعاقباً بر اساس انحرافات و شکاف‌های مشخص شده سعی گردید در قالب تکنیک‌های آینده پژوهی جهت پر کردن شکاف‌های عمیق و مهم ایجاد شده سناریوهایی تنظیم و ارائه گردد تا بتوان با عملی نمودن این سناریوها در جهت پر کردن شکاف‌های ایجاد شده بین

وضعیت فرهنگ در آینده و زمانهای دیگر نیز باشیم از هدف فرعی دوم پژوهش که بررسی نظرات الگو و مدل ارائه شده در این طرح می‌توان بهره برداری نمود. در رابطه با هدف فرعی دوم طرح که همانا شناسایی و تبیین عناصر و مولفه‌های وضعیت مطلوب فرهنگ می‌باشد با بکارگیری الگوی مهندسی و مدل کمی پژوهش می‌توان به این مهم نیز دست پیدا نمود.

نخبگان و اقدامات گذشته جهت شناسایی و مهندسی فرهنگ می‌باشد، با توجه به رایج مدلهای چندگانه برآورده گردیده است. اهداف فرعی دیگر نیز از جمله یافتن شکاف فرهنگی بین وضعیت موجود و مطلوب فرهنگ و ارائه سناریوهایی برای پرکردن این شکاف‌ها، برآورده گردیده است.

شکل (۲): مدل کمی پژوهش



منابع و مأخذ

- (۱) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم). ویرایش اول. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (زمستان، ۱۳۸۲).
- (۲) اکرمی، موسی، آینده‌شناسی و آینده‌نگری، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۱۶، ص. ۷۵-۷۴
- (۳) بصیرنیا غلامرضا، سرمقاله دو هفته‌نامه مهندسی کشور، شماره اول (مهر ۱۳۸۵)، ص ۳.
- (۴) بنیانیان حسن، مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران، (خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ۲۱-۲۰ دی ماه ۱۳۸۵)
- (۵) پهلوان، چنگیز - فرهنگ شناسی - نشر پیام امروز - سال ۱۳۷۸
- (۶) چلبی، مسعود، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، موسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات تهران. (۱۳۸۱)
- (۷) دی تور، جیمز ترجمان سید احمد ابراهیمی، عقیل ملکی فر، آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۰، ص. ۱۰۳-۱۰۲
- (۸) شاین ادگار - فرهنگ سازمانی - ترجمه دکتر محمد ابراهیم محبوب - انتشارات فرا - ۱۳۸۳
- (۹) شاین، ادگار اچ. (۱۳۸۳)، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، (ترجمه ی برزو فرهی بوزنجانی و شمس الدین نوری نجفی)، چاپ اول سیمای جوان، تهران. .
- (۱۰) قدیری، روح اله، "بررسی چند تجربه ملی در آینده نگاری"، مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۴
- (۱۱) محسنی، منوچهر، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی. تهران. (۱۳۷۹)
- (۱۲) مخبر دزفولی محمدرضا - ضرورت رصد فرهنگی - اولین همایش ملی مهندسی فرهنگ
- (۱۳) مخبر دزفولی محمدرضا، "نقش مهندسی فرهنگی در کاهش آسیب‌های اجتماعی"، دو هفته‌نامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۵، (دی‌ماه ۱۳۸۵)، ص ۳
- (۱۴) مردوخی، بایزید، آینده پژوهی و آینده نگاری، پیشگفتار، ویژه نامه برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱، ۱۳۷۵
- (۱۵) میلز، ایان، علم، تکنولوژی و مطالعات آینده، ترجمه، محمد اسماعیل، ریاحی، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۹، ۱۳۷۴
- (۱۶) ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۵). مهندسی فرهنگی کشور: تحلیلی بر فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۱ (جزوه چاپ نشده) تهران. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- (۱۷) ناظمی اردکانی مهدی - مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت کشور در نگاه آیت ا... خامنه‌ای - مجله فارس ۸۵/۸/۲۸
- (۱۸) ناظمی اردکانی مهدی و کشاورز سوسن، مطالعات در زمینه مهندسی فرهنگی
- (۱۹) ناظمی اردکانی، مهدی - درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی اولین همایش ملی مهندسی فرهنگ
- (۲۰) نواندیشی برای هزاره نوین - ریچارد اسلاتر و همکاران - ترجمه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - انتشارات موسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاع.